روزنه

## نقاط عطف اسلام‌هراسی رسانه‌ای

عباس عیسی‌زاده

● درک صحیح نقاط عطف و زمینه‌های بروز اسلام‌هراسی رسانه‌ای معاصر، مستلزم بررسی سیر تاریخی توجه رسانه‌ها به اسلام و همچنین مرور وقایع و رویدادهایی است که در نیم‌قرن اخیر، بهانه هجوم به اسلام و مسلمانان را فراهم کرده‌اند. در ادامه به رویداد مهمی می‌پردازیم که متعاقب آن، اسلام هدف تهاجم (تا آن زمان) بی‌سابقه رسانه‌های غربی قرار گرفت.

**ماجرای سفارت آمریکا در تهران**

سال ۱۳۵۷ شمسی، انقلاب اسلامی ایران - جنبشی که در چنین مقیاس وسیعی، از اکتبر ۱۹۱۷ م. (انقلاب بلشویکی روسیه) به این سو، نظیر نداشت- به رهبری امام خمینی(ره) و با مشارکت و خروش عظیم مردم، رژیم شاهنشاهی را سرنگون کرد؛ حکومتی که تحت حمایت و پشتیبانی آمریکا قرار داشت و مهم‌ترین متحد آن در منطقه به‌شمار می‌رفت. اتفاق دیگری که چند ماه بعد از پیروزی انقلاب به وقوع پیوست و برای آمریکا اهمیت بسیاری پیدا کرد، اشغال سفارتخانه این کشور در تهران بود... به تعبیر ادوارد سعید، متفکر و منتقد پرآوازه فلسطینی: «تا پیش از این حوادث، هرگز آمریکایی‌ها چنین فلج و در جهت اقدام و جلوگیری از وقوع حوادث دراماتیک پیاپی، تااین حد فاقد قدرت و درمانده نبوده‌اند». در نتیجه، این مسئله ضعف و ناتوانی ایالات متحده را بر جهانیان آشکار کرد و جایگاه این کشور را به‌عنوان ابر قدرت جهانی به چالش کشید. از سوی دیگر، اشغال غیرمعمول و غافلگیرکننده سفارت و همچنین توجه ویژه و متمرکز رسانه‌ها به این واقعه، عواطف و احساسات میلیون‌ها آمریکایی را جریحه‌دار کرد؛ زیرا شهروندان آمریکا، افزون بر اینکه می‌دیدند دیپلمات‌های هم‌وطنشان در کشوری خارجی محبوس شده‌اند و در ظاهر، دولت نیز قادر به آزادکردن آنها نیست، جزئیات و حواشی (بعضا ساختگی) این حادثه را شب و روز و لحظه‌به‌لحظه در برنامه‌های پربیننده تلویزیونی مشاهده می‌کردند. بی‌درنگ پس از تصرف سفارت، بخش اعظم برنامه‌های اخبار شبانه در رسانه‌های آمریکا، به «ایران» اختصاص داده شد. برای نمونه، شبکه ABC برای چند ماه پیاپی، ویژه‌برنامه‌ای را به نام «آمریکا در گروگان» پخش می‌کرد و دیگر شبکه‌ها نیز به سهم خود برنامه‌های متنوعی را به این موضوع اختصاص داده بودند. پوشش رسانه‌ای ماجرای سفارت، چنان گسترده بود که هودینگ کارتر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، به دلیل مصاحبه‌های مکرر، در دو هفته به شهرتی مانند ستارگان هالیوود رسید.

با وجود کمّیت بالای اخبار، اطلاعات چندان وثیقی از ایران مخابره نمی‌شد. از دید جک شاهین، استاد مطرح علوم ارتباطات دانشگاه ایلینوی: «آنچه شبکه‌های تلویزیونی به صورت شبانه‌روزی برای مردم دنیا پخش می‌کردند، تصویر [بسیار عمیقی!] از ایران انقلابی بود که در آن هواداران متعصب آیت‌الله خمینی خشمگینانه شعار «مرگ بر آمریکا» سر می‌دادند و این کشور را شیطان بزرگ می‌خواندند و حتی پرچم آمریکا را همراه با تمثال «عمو سم» منقش روی آن، به آتش می‌کشیدند[!]». در این مقطع بحرانی، تصاویر امام خمینی(ره) وسایل ارتباط جمعی غرب را قبضه کرده بود؛ اما رسانه‌ها بدون اینکه مطلب درخور توجهی راجع به شخصیت و ماهیت انقلاب ایشان انتشار دهند، همواره با نگاهی سطحی، او را فردی سخت‌دل، لجوج و عمیقا عصبانی از سیاست‌های آمریکا معرفی می‌کردند.

تحول مهم دیگری که وقایع یادشده در نحوه بازنمایی اسلام به وجود آورد، این بود که کلیشه‌های منفی مرتبط با اسلام (و ایران به‌مثابه نماینده تمام‌عیار اسلام در آن برهه) دستخوش تغییر شدند. برای مثال، «بازنمایی‌های سنتی شرق‌شناسانه مانند «شیوخ هوسران»، «رقاصه‌های عربی» و «بربرهای بیابانی»، جای خود را به تصویر جدید «متعصبان مذهبی» دادند». بنابراین، ماحصل اتفاقات انقلاب ایران برای رسانه‌های غربی، اضافه‌شدن کاریکاتوری جدید از «توده‌های انبوه مسلمانان تندرو، متعصب و خشمگین که در حال شعاردادن و تظاهرات هستند»، به مجموعه کلیشه‌های منفی پیشین بود که گفتمان اسلامی رسانه‌ها را شکل می‌دادند. ادوارد سعید که کتابی مفصل درباره «بازنمایی حوادث انقلاب اسلامی به‌ویژه ماجرای سفارت، در رسانه‌های تصویری آمریکا» نگاشته است، ضمن تأیید مطلب یادشده، در جمع‌بندی خود از این رویداد می‌افزاید: «اشغال سفارت کاری جسورانه، غیرمتعارف و از لحاظ سیاسی در کوتاه‌مدت برای ایران سودمند بود. اما در بلندمدت برای این کشور بیهوده، هدردهنده سرمایه‌ها و به صورتی کاملا عملی موجب «بحران آگاهی» در ایالات متحده خصوصا راجع به اسلام شد». البته سعید در تحلیل عوامل مختلف ایجاد و استمرار این «بحران آگاهی»، بیش از همه به نقش مؤثر و بی‌بدیل وسایل ارتباط جمعی آمریکا اشاره می‌کند. در مجموع در نیم قرن اخیر، رسانه‌های جمعی غرب به بهانه وقوع برخی حوادث خاص، تصویری مخدوش و منفی از اسلام و پیروان آن منعکس کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران (همچنین تسخیر لانه جاسوسی) را می‌توان نخستین و از جهاتی مهم‌ترین رویدادی به‌شمار آورد که دستمایه «اسلام‌هراسی رسانه‌ای» قرار گرفته است؛ حربه‌ای رایج در فضای رسانه‌ای غرب که در قالب آن، اسلام و مسلمانان در هاله‌ای از ترس، تهدید و هراس جنون‌آمیز پوشش داده می‌شوند.

# ریشه‌های بحران کنونی کجاست؟

پروفسور شاپور رواسانی*

عکس: فارس

در بیشتر گزارش‌ها، درباره علل وقوع حوادث و ناآرامی‌هایی که در نقاط مختلف ایران رخ داده‌اند، از گرانی، افزایش فقر، بی‌کاری جوانان و توسعه فساد مالی یاد می‌شود؛ اما از علل پدیدآمدن این فجایع اجتماعی سخنی به میان نمی‌آید و به‌این‌ترتیب راه‌حلی هم برای رهاکردن جامعه از فقر و فساد ارائه نمی‌شود.

۱ـ به نظر نگارنده، اگر اصول سیاسی و اقتصادی به همان صورت که بزرگان مطلع و دلسوز انقلاب آن را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به ساختار جامعه و مسائل و روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تدوین کرده بودند، اجرا می‌شد و تجارت خارجی در اختیار دولت می‌ماند، مشکلات و مسائلی که امروز در جامعه ما مطرح شده‌اند، به وجود نمی‌آمدند و فقر و فساد توسعه نمی‌یافت. در ادامه نکاتی از قانون اساسی را یادآوری می‌کنم:

فصل اول ـ اصل دوم ـ بند ج:

نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همبستگی مالی را تأمین می‌کند.

اصل سوم ـ بندهای:

۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

۷ـ تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸ـ مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش.

فصل چهارم ـ اصل چهل‌وسوم ـ بندهای:

۸ـ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹ـ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

اصل چهل‌وچهارم:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتی‌رانی، راه و راه‌آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی، تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی، دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش، تاجایی‌که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلامی خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مانع زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط، قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

به نظر می‌رسد مدت‌هاست رعایت اصول یادشده به فراموشی سپرده شده‌اند. متأسفانه اصل ۴۴ بر اساس بازنگری در تیر ۱۳۸۵ از طرف مجمع تشخیص مصلحت نظام تفسیر شد و بر اساس این تفسیر، اقتصاد ایران در اختیار بخش خصوصی قرار گرفت و به نظر نگارنده به‌این‌ترتیب بحران اقتصادی، افزایش فقر و بی‌کاری، تضاد طبقاتی و وابستگی اقتصاد ایران به خارج آغاز شد و ادامه یافت؛ زیرا کنترل اقتصاد کشور از دست دولت که منتخب و نماینده اکثریت جامعه (بخش عمومی) بود، خارج شد و در اختیار اقلیتی ثروتمند (بخش خصوصی) قرار گرفت که در راستای منافع طبقاتی خود، به غارت ثروت جامعه ایران پرداختند. خود غنی و ثروتمند شدند، اما اکثریت (بخش عمومی) فقیر شدند. به نظر می‌رسد مفسران محترم اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ اقتصاد سرمایه‌داری در جهان و به تفاوت‌های ماهوی اقتصادی و اجتماعی میان بخش خصوصی کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی و بخش خصوصی کشورهای عقب‌نگه‌داشته‌شده توجهی نداشته و نکردند. در کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی بخش خصوصی می‌کوشد ثروت‌ها و سرمایه‌ها را از همه نقاط جهان جذب و به جامعه خود منتقل کند تا صنایع و در این رابطه صادرات، رشد کند و جامعه غنی و ثروتمند شود؛ اما در کشورهای عقب نگه‌داشته‌شده، بخش خصوصی به‌طور عمده واردکننده کالاهای صنعتی و صادرکننده مواد خام و در این رابطه ثروت و سرمایه هستند. چنان‌که بررسی‌های تاریخی اثبات می‌کنند کشورهای آمریکا، ژاپن، چین، روسیه، آلمان و کشورهای دیگری توانستند با کنترل واردات و خروج سرمایه، از نظر اقتصادی رشد کنند. با توجه به این نکات و نکاتی که درباره سقوط اقتصادی ایران در ۱۰ سال گذشته رخ داده، می‌توان مطرح کرد و به اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام پیشنهاد داد که مصوبات مرتبط به تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی خود را لغو کرده و موافقت کنند که این اصل به همان صورت اولیه که بزرگان مطلع انقلاب خواستار بودند، مجددا اجرا شود تا دوران سرمایه‌داری استعماری در ایران پایان یابد.

آقای ابراهیم رزاقی، استاد محترم در مصاحبه با روزنامه «شرق» (۱۳ آذر ۱۳۹۶، ص ۱۵) می‌فرمایند: «سرمایه‌داری‌ای که در ایران پیاده شده، وابسته است و بدترین نوع سرمایه‌داری است؛ چون تولیدگر نیست و وارداتی است. این نوع سرمایه‌داری مکمل سرمایه‌داری کشورهای صنعتی است که مواد خام می‌خواهند و در تلاش‌اند کالای صنعتی بفروشند. کشور ما این‌طور است؛ بنابراین طبیعی است که در چنین مدل‌هایی، فقر رشد می‌کند».

به نظر این‌جانب اولین و مهم‌ترین اقدام می‌تواند دولتی‌شدن تجارت خارجی و جلوگیری از فرار ارز باشد و صادرات و واردات از سلطه بخش خصوصی و قاچاقچیان خارج شود.

۲ـ در همه جوامع پنهان‌کردن اموال شخصی در شأن شخصیت‌های اجتماعی، سیاسی و مسئولان دولتی نیست؛ زیرا موجب بروز و توسعه فساد و بی‌اعتمادی جامعه نسبت به مسئولان می‌شود. افرادی مانند اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا و ولادیمیر پوتین، رئیس دولت فدراسیون روسیه، برای جلب اعتماد و احترام مردم کشورهای خود صورت اموال شخصی خود را اعلام کردند. شایسته است مسئولان سیاسی، اجتماعی، نظامی و دولتی در جامعه ما نیز که با فقر و فساد دست به گریبان است، با اعلام دارایی‌های خود و خانواده‌هایشان احترام و اعتماد عامه محروم و فقیر را به سوی خود جلب کنند. نکته مهم که امید می‌رود اقدامی اساسی برای مبارزه با فساد باشد، این است که پیشنهاد می‌شود مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه خود را درباره محرمانه‌بودن ثروت و اموال مسئولان لغو کند؛ زیرا آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است.

**دارایی مسئولان محرمانه است**

مجمع تشخیص مصلحت نظام تا دو هفته گذشته مردد بود که اعلام اطلاعات دارایی‌ها در حد خوداظهاری باقی بماند یا به اطلاع عموم برسد. محسن رضایی، دبیر مجمع، در نشست خبری دو هفته پیش گفته بود: «بررسی این موضوع که رسیدگی به دارایی مسئولان کشور در حد خوداظهاری بماند و به اطلاع عموم برسد یا نه، به جلسه بعد موکول شد»؛ اما بعد از دو هفته اعضای مجمع به نتیجه رسیدند که اطلاعات دارایی‌های مسئولان نه‌تنها نباید به اطلاع عموم برسد؛ بلکه افشای آن محرمانه است و مجازات در انتظار افشاکنندگان سهوی و عمدی آن خواهد بود. این مصوبه اعلام می‌کند فهرست دارایی‌ها، اسناد و اطلاعات مربوط به آن به جز در مواردی که در این قانون و آیین‌نامه ذیل آن تعیین شده، محرمانه است و هریک از مسئولان و کارکنان که حسب وظیفه مأمور تهیه، ثبت، ضبط و حفظ فهرست دارایی‌های افراد مشمول یا اسناد و اطلاعات مرتبط با آن هستند یا برحسب وظیفه اسناد مذکور در اختیارشان قرار می‌گیرد، اگر عالما و عامدا مرتکب افشا یا انتشار مندرجات این اسناد شوند یا خارج از حدود وظایف اداری، آنها را در اختیار دیگران قرار دهند یا به هر نحوی دیگران را از مفاد آنها مطلع کنند، به یکی از مجازات‌های درجه شش مقرر در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم خواهند شد. این مصوبه تاکنون دو تبصره هم داشته است؛ تبصره یک می‌گوید رئیس قوه قضائیه موظف است دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از خدمت به مرجعی که رهبری تعیین می‌کند، اعلام کند. تبصره دو هم می‌گوید قائم‌مقام مقاماتی که طبق مقررات دارای قائم‌مقام هستند، هم مشمول این قانون هستند. مشمولان این مصوبه عبارت‌اند از: ۱- نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، ۲ـ اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۳ـ مقامات منصوب از سوی رهبری، ۴- اعضای شورای نگهبان، ۵ـ نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونان رئیس مجلس و مدیران کل مجلس، ۶ـ معاونان رئیس قوه قضائیه و رؤسای سازمان‌ها و دستگاه‌های وابسته به این قوه و معاونان و مدیران کل آنان، ۷ـ دادستان کل کشور، رئیس دیوان‌عالی کشور و رئیس دیوان عدالت اداری و رؤسای کل دادگستری استان‌ها و معاونان همه آنها و سایر دارندگان پایه قضائی، ۸- مشاوران سران سه قوه، ۹ـ رؤسای دفاتر سران سه قوه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری، ۱۰ـ دستیار ارشد رئیس‌جمهور، معاونان وزرا، مدیران کل و هم‌ترازان آنها، ۱۱ـ دبیران شورای‌عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیئت دولت، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و شورای‌عالی فضای مجازی، ۱۲ـ رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور، معاونان آنان و اعضای هیئت مستشاری۱۳ـ رئیس، قائم‌مقام، معاونان و دبیر کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴- رؤسا و معاونان سازمان‌ها و مؤسسات دولتی، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مدیران کل آنها، ۱۵ـ فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح از درجه سرتیپ‌تمام و بالاتر و هم‌ترازان آنها و رؤسای کلانتری‌ها، ۱۶ـ مدیران عامل، اعضای هیئت‌مدیره بیمه‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آنها، رؤسای مناطق و رؤسای شعب ارزی و ویژه و سرپرست‌های مناطق، ۱۷ـ رئیس سازمان بورس اوراق بهادار و معاونان او، رؤسای بورس‌های تخصصی، مناطق و فرابورس، ۱۸ـ رئیس و اعضای هیئت عامل صندوق توسعه ملی، ۱۹ـ استانداران و معاونان آنان، فرمانداران، شهرداران و اعضای شورای شهر همه شهرها و شهرداران مناطق کلان‌شهرها و معاونان آنها.

۲۰ـ سفرا و کارداران، سرکنسول‌ها و مسئولان حفاظت منافع و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۲۱ـ نمایندگان دولت در مجامع عمومی، هیئت‌مدیره، هیئت امنا و مدیرعامل شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی۲۲ـ اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل و بازرسان مناطق ویژه و مناطق آزاد تجاری و معاونان آنان، ۲۳ـ رئیس کل گمرک و معاونان او و مدیران کل گمرک و رؤسای گمرکات کشور، ۲۴ـ رئیس سازمان مالیاتی، معاونان، مدیران کل و سرممیزان.

**کدام دارایی‌ها**

مطابق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام دارایی‌هایی که افراد باید اعلام کنند، به شرح زیر است: همه اموال غیرمنقول و حقوق دارای ارزش مالی ـ مطالبات و دیون ـ سرمایه‌گذاری و اوراق بهادار ـ موجودی حساب‌های مختلف در بانک‌ها، مؤسسات مالی اعتباری و نظایر آنها ـ هرگونه منبع درآمدی مستمر».

به نقل از روزنامه «شرق» ۱۹ مهر ۱۳۹۴ ص ۲.

امیدوارم نکات فوق مورد توجه اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت و همچنین افکار عمومی جامعه‌مان قرار گیرند تا بتوان در راه مبارزه علیه فقر و فساد موفق بود.

***استاد بازنشسته کرسی اقتصاد اجتماعی کشورهای درحال‌توسعه دانشگاه الدنبورگ آلمان**

# برای تقسیم خزر عجله نکنیم

ادامه از صفحه۶

باید بدانیم که ایران متضرر نخواهد شد. اما امروز که صحبت می‌کنیم، وضعیت بین‌المللی ایران بدون تردید بهتر از سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ و زمانی است که آقای بوش جنگ علیه تروریسم ادعایی را شروع کرد. در برجام ما به دستاوردهایی رسیدیم. من معتقدم که اگر ما کمی صبر کنیم، وضعیت بهتری خواهیم داشت و در وضعیت بهتر، بهتر می‌توانیم مذاکره کنیم. البته به این معنا نیست که ما الان مذاکره نمی‌کنیم، بلکه به این معناست که ما عجله‌ای برای رسیدن به توافق نخواهیم داشت. در عمل همه کارهایی که یک رژیم حقوقی مشترک به ما اجازه می‌دهد یا امتیازاتی را که وجود دارد، ما الان داریم؛ کشتی‌رانی، شیلات، ماهیگیری و محیط زیست که یک کنوانسیون مستقل دارد و در تهران امضا شده است و فضای ماورا که الان تقریبا به نتیجه رسیده است. بنابراین به نظرم لزومی ندارد ایران فصل جدیدی از تنش را با دیگر کشورها آغاز کند. ما باید اول در خلیج فارس به نتیجه برسیم و مسئله‌مان را با عربستان به یک جایی برسانیم. خوشبختانه با قطر خوب پیش می‌رویم. به اعتقاد من بهتر است اول با عراق و قطر یک ترتیبات امنیتی سه‌جانبه بگذاریم. اینکه اسم آن «مجمع» یا «سازمان» باشد را به انتخاب آنها بگذاریم، بعد یمن و ترکیه را داخل این جمع کنیم.

**چندی پیش آقای چاووش‌اوغلو، وزیر خارجه ترکیه گفت که ما اصلا قصد ایجاد ائتلافی با قطر و ایران نداریم.**

خاورمیانه در حال عوض‌شدن است. خطوط سایکس-پیکو که سال ۱۹۱۶ ترسیم شده، الان نمی‌تواند درست عمل کند. ایران کشوری است که به‌خوبی می‌تواند در این منطقه نقش ایفا کند. به نظر من در جنوب باید عجله کرد، ولی در شمال نیاز به عجله نیست. این مسیری است که ایران در آن ضرر ندیده است. اگر ایران بخواهد قرارداد جدیدی خارج از قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ببندد، به نظر من از آن بهتر نصیب ایران نخواهد شد. مثلا می‌شد پیمانی بهتر از حسن همجواری و مرزهای دولتی ۱۹۷۵ با عراق ببندیم؟ به نظر من این امکان‌پذیر نیست یا حداقل الان انجام‌پذیر نیست.

**پس معتقدید نباید عجله کرد؟**

نباید عجله کرد، اکثر کارهایی که در حال انجام است، براساس رژیم مشاع است. همچنین هزینه استخراج نفت و گاز در دریای خزر سخت است. آنجا یک چاه هزار متر، هزارو ۹۵۰ متر یا دوهزارمتری باید زیر بستر دریا پایین برود. این کار تکنولوژی خیلی جدیدی می‌خواهد ولی در خلیج فارس در عمق ۶۰ متری به‌راحتی به نفت می‌رسیم. به لحاظ فراوری سخت‌ترین جای دنیا خزر نیست، ولی نسبت به خلیج فارس هزینه‌های آن بیشتر است. وقتی نفت گچساران و آغاجری تمام شود، طبیعی است که به سمت استخراج از خزر می‌رویم. علاوه بر این حمل‌ونقل نفت از خزر به بازارهای عمده یعنی آسیای شرقی و اروپا و آمریکای شمالی بسیار سخت‌تر است تا جنوب. در جنوب خارک در دریای آزاد است و هزینه انتقال هر بشکه کمتر از یک دلار است.

**الان با بحث راه‌اندازی مسیر کریدور شمال به جنوب روبه‌رو هستیم و ماه گذشته طرح توسعه بندر چابهار نیز افتتاح شد که مسیر ترانزیت ایران، افغانستان و هند را باز کرد. شاید اینکه تکلیف رژیم حقوقی ما در خزر معلوم نیست، در این مسیر هم خلل ایجاد کند یا راه‌اندازی این کریدور شمال-جنوب می‌تواند به روند توسعه کشور کمک شایانی کند.**

حرفتان کاملا درست است ولی نکته‌ای هست؛ اگر خط آهن قزوین -رشت -آستارا تمام شود، هزینه حمل بار خیلی کمتر از حمل بار فعلی از خزر می‌شود، یعنی حدود نصف می‌شود. در صورت تکمیل زیرساخت‌ها و سکوهای راه‌آهن و پلتفرم‌ها و کریدور شمال جنوب، اهمیت دریای خزر به‌لحاظ حمل‌ونقل کالا کمتر می‌شود؛ تردیدی در این نیست. اما اگر فکر کنید که رژیم حقوقی دریای خزر این کریدور را به‌طور اساسی متحول می‌کند، چنین نیست. هیچ کشتی‌ای نیست که امروز به‌خاطر نبودن رژیم حقوقی مورد توافق، جایی متوقف شده باشد.

**شما عضو تیم مذاکره‌کننده دریای خزر و مذاکرات پایان جنگ عراق و ایران بودید. از منظر مذاکراتی به ما بگویید، چرا ما هیچ چیزی درباره این مذاکرات نمی‌دانیم؟ این میزان ندانستن طبیعی است؟ آیا زمان آن نیست که کمی به مردم و مخاطبان توضیح بدهند که در این مذاکرات چه می‌گذرد؟**

اگر من بودم برای مردم بیشتر توضیح می‌دادم. نکته دیگر این است که روابط ما با روسیه ابعاد گوناگونی دارد. من حدس می‌زنم که درباره خزر ما با روسیه اختلاف‌نظر داریم و این به‌طور کلی است؛ اما به روابط با کشورها باید از بالا نگاه کرد. اتفاقا ایران کشوری است که اگر با کشوری روابط خوبی داشته باشد، برای آن کشور و دیدگاه‌های آن کشور احترام قائل است و سعی می‌کند که برهم‌زننده توافقات نباشد. من هم معتقدم که در دنیای جدید اطلاع‌رسانی به جامعه باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

نگاه بیرون

## چگونه ماتیس فعلا درباره ایران نرم شده است

POLITICO

ترجمه: شهرام زرندار

● ژنرال جیمز ماتیس به‌عنوان فرمانده ارشد فرماندهی مرکزی نیروهای نظامی ایالات متحده در خاورمیانه در دوره باراک اوباما خواهان حملات نظامی برای مجازات ایران به خاطر مسلح‌کردن شبه‌نظامیان ضدآمریکایی در عراق بوده است؛ اما او به‌عنوان وزیر دفاع دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی ایالات متحده، موضعش را درباره ایران به‌عنوان یکی از مشاوران ارشد دولت ترامپ معتدل کرده است. او خواهان رویکرد اعتدالی درباره برخورد با تهران است. ماتیس سال گذشته به طرزی آشکار به خاطر اظهار شهادت مبنی بر اینکه توافق هسته‌ای اوباما با ایران «چیزی است که ترامپ باید به آن وفادار بماند» علیه ترامپ موضع‌گیری کرده است. درحالی‌که نیروهای نظامی ایالات متحده و نیروهای ایرانی در عراق و سوریه پیش از گذشته به هم نزدیک‌اند، ماتیس تا اینجا از اتخاذ رویکرد «رویارویی» برای محدودکردن یا عقب‌راندن نفوذ تهران و نوابش در منطقه شانه خالی کرده است. یک دلیل برای موضع جدید ماتیس به‌عنوان رهبر غیرنظامی پنتاگون این است که او باید بین دستور کار بزرگ‌تر درباره چالش‌های جهانی و مواضعش به هنگامی که او رهبری فرماندهی مرکزی قوای ایالات متحده بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ را در اختیار داشته، تعادلی برقرار کند. این مطلب براساس نظر مقامات دولتی سابق و فعلی که درباره سیاست‌های مربوط به ایران تجربه دارند و درعین‌حال ماتیس را هم به‌خوبی می‌شناسند، مطرح شده است. فاکتور دیگر طرح تغییریافتن رئیس‌جمهورهاست: به جای کارکردن برای رئیس کل ستاد مشترکی که درباره ایران ضعیف به نظر می‌رسد، او درحال‌حاضر برای کسی کار می‌کند که هرازگاهی به نظر خواهان جنگ می‌رسد و انتخابش در وهله اول درگیری نظامی است. در همکاری با اوباما او رئیس‌جمهوری داشت که درباره به‌چالش‌کشیدن نیروهای مسلح ایران سخن چندانی نمی‌گفت؛ بنابراین او متمایل به جلورفتن بود و این مسئله احتمالا به رابطه‌اش با اوباما صدمه زده است. جفری، سفیر اوباما در عراق، می‌گوید: «ماتیس با رئیس‌جمهوری سروکار دارد که هم در حد افراط دارای روحیه‌ای تهاجمی است و هم دچار بی‌ثباتی است؛ بنابراین او باید احتیاط کند، تعادل عقلانی را برقرار کند و کسی باشد که قبل از پریدن به مانع نگاه می‌کند. درحال‌حاضر او درباره کره‌شمالی همین کار را می‌کند و می‌بیند که او این کار را درباره ایران هم انجام می‌دهد. ماتیس کبوتر هم نبوده (دموکرات هم نبوده). او به ایران نام «بزرگ‌ترین دولت حامی تروریسم در جهان» داده و سال گذشته اجازه داده که یک حمله نادر علیه هم‌پیمان ایران دولت بشار اسد در سوریه صورت گیرد. ماتیس بر کار سرنگون‌سازی پهپادهای ایرانی هنگامی که تصادفا به نیروهای ایالات متحده بسیار نزدیک شده‌اند، نظارت کرده است. او همچنین خواستار به‌حداقل‌رساندن شانس رویارویی بزرگ‌تر با نیروهای ایرانی و نواب ایران در منطقه بوده است. یک منطقه که در آن چنین رویکردی رخ داده، منطقه نبرد علیه داعش در عراق و سوریه بوده است. در میان تحلیلگرانی که می‌گویند جنگ نفوذ ایران را در این دو کشور گسترش داده، ترسی مشترک از برقراری «یک پل زمینی» یا مسیر زمینی برای رساندن اسلحه و مهمات که بی‌مزاحمت دیگران عمل کند، وجود دارد. مسیری از ایران که از طریق عراق و به درون سرزمین‌های تحت کنترل ایران در سوریه می‌رسد؛ پس از اینکه شبه‌نظامیان مورد حمایت ایالات متحده پاییز گذشته شهر سوری رقه را آزاد کردند، نیروهای مورد پشتیبانی ایران ضربه سختی به نیروهای داعش در مرز عراق با سوریه وارد کردند و برخی از تحلیلگران این حمله را به‌عنوان قدم نهایی در ساختن این پل زمینی بررسی کرده‌اند. بازها (محافظه‌کاران) از پنتاگون به خاطر بستن یکی از پست‌های مرزی دورافتاده بین عراق و سوریه قبل از این حرکت انتقاد کرده‌اند و گفته‌اند که بازنگه‌داشتن آن پست مرزی احتمالا جلوی ساختن این پل زمینی و به‌ثمررساندن برنامه پل‌سازی زمینی ایران از ایران تا سوریه را می‌گرفته است... جفری گفته: «تصور کنید اگر ما از عراق بیرون رانده شویم و روسیه و ایران پیروز میدان نبرد در سوریه باشند، این شکستی بزرگ برای ایالات متحده خواهد بود». بنابراین «این یک موضع نسبتا محتاطانه است که ماتیس بر سر آن ایستاده است».

شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران

**آگهی مزایده عمومی ۱۱۲-۹۶/۱۰ ت (نوبت دوم)**

شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران در نظر دارد انجام سرمایه گذاری جهت طراحی و احداث کارخانه تولید کاغذ از کربنات کلسیم با ظرفیت ۳۰ هزارتن سالانه (فاز اول حداقل ۶۰۰۰ تن) در شهرستان الیگودرز استان لرستان درقالب تشکیل شرکت مجری را از طریق مزایده عمومی با تضمین شرکت در مزایده به مبلغ ۴.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ (چهار میلیارد) ریال (واریز نقدی و یا ضمانتنامه بانکی) اجرا نماید.

بدینوسیله از علاقمندان دعوت بعمل می آید جهت کسب اطلاعات بیشتر و تهیه اسناد مزایده از تاریخ ۹۶/۱۰/۳۰ وحداکثر تا ساعت ۱۶ مورخ ۹۶/۱۱/۱۰ با دردست داشتن معرفی نامه و اصل فیش واریزی بانکی به مبلغ سیصد هزار ریال بحساب شماره ۰۱۰۵۷۹۹۳۵۹۰۰۵ نزد بانک ملی شعبه میدان ولیعصر بنام این شرکت به آدرس : تهران بالاتر از میدان ولیعصر روبروی سینما استقلال شماره ۱۷۱۳ برج جنوبی - طبقه ششم - امور بازرگانی مراجعه نمایند.

م الف ۳۴۷۰